

راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

ایمان رحیمی پور^۱، قدرت الله خسروشاهی^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۲

چکیده

این تحقیق مبتنی بر این پیش فرض است که مجرم می تواند تغییر رفتار اجتماعی دهد و اقدامات آموزشی و تربیتی در این راستا مفید است. یکی از روش های مهار و تنبه بخشی به مجرمین تعیین مجازات زندان است که در فرد مجرم در حین تحمل جزای خود، با برنامه های بازپروری مواجه می گردد. برای دستیابی به میزان موفقیت این برنامه ها زندان های تهران و اصفهان در این رابطه مورد بررسی میدانی محقق قرار گرفت که با توجه به داده ها و تحلیل آماری مشخص شد هرچقدر هم در زندان برنامه های اصلاحات پیاده سازی شود اما، نسبت به معایبی از جمله پا بر جا بودن علل و انگیزه های ارتکاب جرم، احتمال تکرار جرم به قوت خود باقی است و حتی گاهی شرایط و انگیزه های تکرار جرم در اثر محبوس بودن تقویت می شود، من جمله زمانی که حبس طولانی مدت، موجب اخلال در وضعیت و درآمد خانواده زندانی می شود» و «هرچه مدت حبس طولانی تر شود، تاثیرپذیری وی از فعالیت های فرهنگی و اصلاحی کاهش می یابد». به نظر می رسد در خصوص زندانیان بازپروری شده، صرف تلاش نظری جهت سازگارسازی دوباره اجتماعی در حین تحمل کیفرهای سنتی اثری نداشته است و برنامه های اصلاح و بازپروری از طریق زندان، بدون تلاش عملی در جهت رفع مشکلات زمینه ساز ارتکاب جرم، نتیجه قابل توجهی در کاهش نرخ تکرار جرم ندارد.

کلید واژگان: بازپروری، زندان، جرم، حبس

۱- استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یزد

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان در رشته حقوق.



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

مقدمه

انسان، این اشرف مخلوقات و خلیفه الهی (سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۳۰) که خداوند به لحاظ خلقت او، خود را احسن الخالقین نامیده (سوره مبارکه مؤمن، آیه شریفه ۱۴) و فرشتگان را به سجده وی فرمان می دهد (سوره مبارکه حجر، آیه شریفه ۲۹) و شیطان را به لحاظ سرپیچی از این امر از درگاه خود می راند، (سوره مبارکه اسراء، آیه های شریفه ۶۵-۶۱) آزاد آفریده شده است. زیرا اگر انسان آزاد نبود، قوه عقل که فصل بین انسان و حیوان شمرده می شود، برای وی ثمری به همراه نداشت، و مجازات دنیوی و اخروی برای وی مقرر نمی گردید. خداوند این آزادی و آزادگی انسان را تا بدان حد مورد توجه قرار داده است که حتی در پذیرش دین اجبار او را روا نمی داند (سوره مبارکه بقره، آیه شریفه ۲۵۶).

مولای متقیان (ع) در نامه به فرزندش امام حسن (ع) می نویسد: «برده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید» (دستی، ۱۳۷۹:۳۱). ژان ژاک روسو اندیشمند فرانسوی می گوید «آزادی با سرشت آدمی آمیخته است و از طبیعت او جدا ناشدنی است» (کاتوزیان، ۱۳۶۵، ج ۱: ۳۶). آزادی انسان در اسناد و قوانین متعددی از جمله منشور کورش، ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده یازدهم اعلامیه اسلامی حقوق بشر و اصول ۲، ۳، ۱۲، ۱۳، ۲۲، ۲۸، و ۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است.

بیان مسأله

مطابق اصول ۳۲ و ۳۳ قانون اساسی «سلب آزادی تن ممنوع است مگر در مواردی که به موجب قانون و با رعایت ترتیبات قانونی و به دستور مقام صلاحیت دار صورت گیرد.» آزادی تن مصادیق متعددی دارد از جمله؛ دستگیری، تحت نظر قرار دادن، جلب، توقیف، بازداشت، حبس، اخفاء، ربودن، بردگی و... لیکن در پژوهش حاضر فقط دو مورد (توقیف یا بازداشت) و (حبس یا زندان) مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بازپروری و تربیت مجدد مجرمین به این معنی است که اشخاص را بتوان به گونه ای اصلاح کرد که افراد مفید و مؤثری برای خانواده و جامعه خود باشند. این اقدامات مبتنی بر این اصل است که مجرم می تواند تغییر رفتار اجتماعی دهد و اقدامات آموزشی و تربیتی در این راستا مفید است. راهکارهای متنوعی مانند زندان، به منظور بازپروری مجرمین در نظر گرفته شده است. با گسترش ایده اصلاح و درمان محکومان از اواسط سده نوزدهم، زندان ها به عنوان مرکز اصلی درمان مورد توجه قرار گرفته اند و راهکارهای مختلفی در جهت اصلاح و درمان محکومان در زندان های مختلف درپیش گرفته شده است.

با پیدایش علوم اجتماعی و جرم شناسی، ایده ها درباره پیداکردن بهترین راه حل برای اصلاح و درمان



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

خلافکاران صورت بهتری پیدا کرد. همچنین عقاید علمی درباره علت و معلول، منجر به ایجاد مدل پزشکی اصلاح و بازپروری شد. طبق این برنامه، بزهکارجنایی مریض به حساب می آید، ولی اگر به درستی بیماری او تشخیص داده شود می تواند اصلاح شود.

اصلاح زندان از بدو تشکیل آن آغاز و برخلاف نهادهای سابق مجازات که رو به زوال رفت، (از قبیل تعذیب) استفاده از نهاد زندان روز به روز افزایش یافت. عمده دلیل آن نیز، عدم جایگزین مناسب به جای آن بود ولی در تمام دوره ی عمر زندان دو آمال وجود داشته است.

اول جایگزینی مناسب به جای زندان برای رفع معایب زندان (آثار سوء زندان بر زندانی و حرفه ای تر شدن او در ارتکاب جرم و آثار سوء آن بر خانواده متهم که خود نیز باعث ایجاد زمینه ی ارتکاب جرم برای خانواده زندانی می شود، از جمله معایب زندان هستند) که خود به دو نوع جایگزین های سنتی (همانند تعلیق مجازات و مجازات نقدی) و نوین (از قبیل نظارت الکترونیکی، جزای نقدی روزانه و تعلیق همراه با کار عام المنفعه) تقسیم می شوند. دوم اصلاح زندان برای کم کردن مضرات آن (از قبیل جلوگیری از انتقال بیماریها و استفاده از مواد مخدر).

این پژوهش درصدد ارائه راه حل برای دو مقوله فوق، ابتدا به بیان و بررسی جایگزین های سنتی و نوین مجازات زندان، برای کاستن جمعیت محبوسین پرداخته و سپس در مصادیقی که چاره ای جز زندان به نظر نمی رسد به بررسی راهکارهایی برای بازپروری هرچه بهتر زندانیان می پردازد. همچنین به دلیل اینکه ساختار زندان خود می تواند عاملی جرم زا نه جرم زدا باشد، در پی آن است که در کنار آنچه قبلاً مورد بررسی قرار گرفته (همانند برنامه های کار در زندان)، راهکارهای دیگری نیز از قبیل جلوگیری از انتقال تجارب محکومان در زندان را نیز مورد بررسی قرار دهد.

همان طور که ملاحظه می شود فلسفه ی هر دو موضوع یکسان (بازپروری بزهکار) می باشد. چه آنجا که با کاهش دامنه ی زندان و جایگزین نهادی دیگر مانع ورود مجرم به کارخانه ی جرم هستیم و چه هنگامی که مجازاتی مناسب جز زندان نیست و باید از معایب زندان بکاهیم.

همچنین برای عملیاتی کردن پژوهش، زندان های تهران و اصفهان در این رابطه مورد بررسی میدانی محقق قرار گرفت که نتایج مصاحبه های گوناگون با مجرمین جرایم عمدی و غیر عمدی به اقتضای بحث در لابلای فصول مطرح خواهد شد.



اهمیت و ضرورت تحقیق

وجود بیش از چهارصد عنوان جرم زندانی در قانون گذاری ایران و تبعات سوء ناشی از این مسأله، حاکی از آن است که زندان به عنوان یکی از سهل الوصول ترین ابزارها برای مجازات و تنبیه تلقی شده است، بدون آنکه آثار و تبعات منفی آن در حوزه اجتماعی بررسی شده باشد. و این امر با فلسفه مجازات ها در اسلام سازگاری ندارد، و بسیاری از عناوین مجرمانه که در جامعه وجود دارد، می تواند تحت مقررات اداری، انتظامی و... مورد بررسی قرار گیرد. برای مثال برخی از قانون گذاران برآنند که معتاد مجرم است؛ بنابراین باید متناسب با جرم مجازات شود و آسان ترین راه برای مجازات این افراد زندان است. بعضی دیگر نیز معتقدند که معتاد بیمار است و به جای روانه شدن به زندان باید راهی بیمارستان شود. همین دو برداشت نیز درباره قانون چک صادق است، و در قانون گذاری منشأ تصویب مقررات و قوانین متفاوت و متغییری شده است که چه بسا در شریعت نیز جایگاهی ندارد. از جمله اینکه نگاه شرع مقدس به بدهکار معسر با نگاه قوانین مدون، در برخی مواضع متفاوت است. یا در رابطه با اتهام قتل عمد، متهم به قتل عمد را بیش از شش روز نمی توان حبس کرد لیکن در عمل به گونه ای دیگر است (طوسی، بی تا: ۴۴) بنابراین بررسی این مسائل و قوانین مرتبط و لزوم وضع قوانین منطبق با شریعت ضروری خواهد بود.

از سوی دیگر مطالعات انجام گرفته نشان می دهد که بخش عمده ای از جمعیت زندانیان کشور را، زندانیان تحت قرار بازداشت و ناتوان از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه تشکیل می دهند. همچنین پژوهش ها ثابت می کند که بیش از ۵۰ درصد آمار ورودی زندان های کشور شامل آن دسته از زندانیانی می شود که تنها برای مدت ۱۰ روز یا کمتر وارد چنین محیطی می شوند. روشن و مبرهن است که ورود بی رویه و فاقد نظارت این افراد به محیط زندان چه پیامدها و اثرات منفی بی شماری بر پیکره جامعه و دستگاه عدالت وارد می سازد. از این ها گذشته، جرم انگاری های افراطی قانون گذاران کیفری و تمایل بیش از حد قانون گذار به پیش بینی این مجازات در سیاهه متون قانونی یکی از مهمترین عوامل تشدید بحران و افزایش جمعیت کیفری زندان های فعلی می باشد.

در چنین شرایطی، نهادهای متولی زندان و زندانبانی که اصولاً باید محیط نگهداری، عبرت انگیزی و اصلاح و جامعه پذیری مجدد بزهکاران نابهنجار و مجرمین خطرناک، حرفه ای و سازمان یافته باشند، به مکان نگهداری و حبس بزهکاران جرائم کم-اهمیت، مجرمین غیر عمدی، معتادین، ولگردان، متکدیان، بدهکاران مالی و افراد ناتوان از پرداخت مهریه به همسران خود تبدیل می گردند و واضح است در چنین وضعیتی نه



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

نهاد زندانبانی می تواند رسالت خود را به نحوی شایسته و کارآمد به منصفه ظهور گذارد و نه اشخاص زندانی و جامعه قادرند به آینده خود امیدوار باشند. در نتیجه نیاز به نهادهای جایگزین زندان از اهمیت بسزایی برخوردار است.

البته سیاست زندان زدایی یا کاهش استفاده از مجازات زندان هرگز به معنای بزه پوشی یا آزاد گذاشتن بزهکاران عمومی و مجرمین خطرناک در تعدی و تجاوز به حقوق شهروندان نبوده بلکه این سیاست در نظر دارد ضمن فرهنگ سازی و اطلاع رسانی و تنویر افکار عمومی جامعه، برای آن دسته از اشخاص مذکور در فوق، واکنشی را برگزیند که واجد کمترین آثار سوء و بالاترین میزان بهره وری و اثربخشی باشد. بنابراین زندان زدایی کوششی برای کامل تر کردن و متنوع ساختن گزینه های کیفری است به نحوی که قضات دادگاه ها نیز بتوانند با وصف نوع جرم، شخصیت و جایگاه اجتماعی اشخاص و پیشینه کیفری آنان، در نهایت آنچه را که صلاح فرد و جامعه در آن نهفته است، انتخاب نمایند که در این صورت تصمیم دادگاه نیز مقرون به عدالت و انصاف بیشتر خواهد بود.

از طرف دیگر اگرچه در کشورهای اروپایی نزدیک به سه دهه است که استفاده از جایگزین های زندان آغاز شده است ولی همچنان به دلایل متعددی از قبیل اطلاع رسانی، تشدید کیفرهای صادر شده در حوزه های قضایی، فردی کردن مجازات ها و کاهش توسل به تخفیف مجازات (به دلیل اثر مثبتی که قطعیت مجازات دارد) تراکم و میزان مدت حبس افزایش یافته است. بنابراین همچنان ایده اصلاح زندان برای بازپروری مجرم نیز ضروری است.

ادبیات و مبانی نظری

زندان: مترادف های حبس در قرآن الفاظ سجن، وقف، امسک و حصر هستند. فیروزآبادی در قاموس المحيط می گوید «حبس به معنای مانع شدن است». زندان به معنای جایی است که متهمان و محکومان را در آن نگه می دارند. در دایره المعارف حقوق آمده است «سلب آزادی و بازداشت محکوم به منظور اجرای مجازات پس از حکم قطعی، حبس قانونی است.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۷: ۱۶۵۵).

۲- زندانی: هر شخصی که به دلیل انجام جرم یا احتمال انجام آن در زندان به سر می برد اعم از این که متهم یا محکوم باشد.

۳- جرم: هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود. (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی)



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

- ۴- انواع جرایم: زندانیان بر اساس انواع جرایم به شرح زیر تفکیک شده اند: اعتیاد، مواد مخدر، جعل و کلاهبرداری، خانوادگی، رانندگی، سرقت، سرقت مسلحانه، ورود غیر مجاز، شرارت و اخلال، قاچاق کالا، قتل عمد، قتل غیر عمد، مالی، منکرات، تخریب.
- ۵- تأدیب: سالم سازی و اصلاح مجرم است بدون آنکه وی را منکوب یا تحقیر نماید.
- ۶- تعزیر: در لغت به همان معنای تأدیب است و در اصطلاح شرع عقوبت یا اهانتی است که غالباً در اصل شرع مقدار آن معین نشده است. برخی از اقسام تعزیر عبارتند از: توییح، شلاق و زندان.
- ۷- سابقه زندانی: زندانی که بیش از دو بار به واسطه ارتکاب جرم زندانی شده است.
- ۸- کاهش آسیب در زندان: کلیه اقداماتی که باعث کاهش آسیب هایی می شود که در اثر زندانی شدن فرد به زندانی و خانواده وی تحمیل شده است.
- ۹- اصلاح شکلی زندان: طبقه بندی صحیح زندانیان از لحاظ نوع جرم و سابقه محکومیت و همچنین اصلاح سیستم های کنترلی زندان.
- ۱۰- اصلاح ماهوی زندان: به کلیه اقدامات فرهنگی و تربیتی، که در جهت اصلاح و تربیت فرد و بازپروری و بازسازگاری و رشد و تعالی فردی و اجتماعی محبوس انجام می شود.
- ۱۱- جایگزین های سنتی زندان: به آن دسته از مجازات هایی که از دو قرن پیش تا به امروز به عنوان جایگزین زندان مورد استفاده قرار گرفته اند اطلاق می شود؛ این جایگزین ها شامل نهادهایی همچون تعلیق، تبدیل جرم، آزادی مشروط و.. می باشند.
- ۱۲- جایگزین های نوین زندان: به آن دسته از مجازات های جایگزینی که از سه دهه پیش مورد نظر نظام های حقوقی قرار گرفته اند گفته می شود. این جایگزین ها بسیار متنوع هستند از قبیل مجازات نقدی روزانه، محرومیت از حقوق اجتماعی، خدمات عام المنفعه و...

روش تحقیق

جایگزین های مجازات زندان

واکنش اجتماعی علیه جرم، در گذر زمان تحت تأثیر تحولات حقوق جزا و جرم شناسی، تغییرات چشمگیر و مهمی را به خود دیده است. زندان به عنوان یکی از مهمترین صورت های مجازات، از قرن هجدهم به این سو، محور مطالعات و تحقیقات اندیشمندان و مکتبهای حقوقی و جرم شناسی قرار گرفته و تحت تأثیر این اندیشه ها دگرگونی عمیق یافته است. از آغاز سده نوزدهم که زندان به عنوان مجازات اصلی جایگاه



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

مهمی در میان نمونه های مختلف واکنش اجتماعی علیه عمل مجرمانه پیدا کرد، سلب آزادی از محکومان، رفته رفته خاصیت تریبی خود را از دست داد و اصلاح و بازسازی محکومان جای آن را گرفت. بدین منظور هم قانون گذاران ملی و هم سازمان های منطقه ای و بین المللی چون شورای اروپا و سازمان ملل، جداگانه یا با همکاری همدیگر کوشیدند تا شیوه های اداره و سازمان دهی مجازات زندان را دگرگون سازند تا بلکه از این طریق بتوان حقوق محکومان را بهتر رعایت کرد. (آنسل، ۱۳۷۵: ۸۶).

مهمترین اقدام سازمان ملل را در این مورد، می توان تصویب «حداقل قواعد لازم الرعایه در مورد رفتار با زندانیان» دانست که در اولین کنگره سازمان ملل در مورد پیشگیری از جرم و رفتار با مجرمان، در تاریخ ۳۰ آگوست ۱۹۵۵ به تصویب رسید و پس از آن در ۳۱ جولای ۱۹۵۷ مورد پذیرش شورای اقتصادی اجتماعی قرار گرفت.^۱

اما در سده بعد نیز هرچند افراد بسیاری از زندان به عنوان وسیله ای برای بازپروری مجرمان یاد می کردند، اما توصیه ها و رهنمون های مکرر سازمان ملل در مورد به حداقل رساندن استفاده از زندان و در مقابل، استفاده هرچه بیشتر از جایگزین های مجازات زندان و تصویب «حداقل قواعد لازم الرعایه سازمان ملل در مورد اقدامات غیر سالب آزادی» مشهور به «قواعد توکیو» در سال ۱۹۹۰ همگی حاکی از نگرانی های جدی نسبت به امر اصلاح و بازپروری مجرمان در زندان ها بوده است.^۲

در مقابل نحوه برخورد کشورها با این موضوع ابتدای امر به این صورت بوده که اقداماتی در زمینه اصلاح زندان ها برداشتند، چرا که معتقد بودند که ناکارآمدی اصلاح و درمان محکومان در زندان ها معلول کمبود امکانات و نیروی انسانی لازم است و از این رو با افزایش کمی و کیفی این دو عامل و نیز بهره جویی از شیوه های نوین کوشیدند از نواقص زندان ها بکاهند و از زندان به عنوان وسیله ای برای بازپروری اجتماعی محکومان استفاده نمایند. (آنسل، ۱۳۷۵: ۸۹).

اما با تمام تلاش هایی که راجع به اصلاح زندان ها صورت گرفت، نتایج بدست آمده ناامید کننده بود و بازپروری اجتماعی و اصلاح مجرمان در زندان ها تقریباً مردود شناخته شد. در کنار این اقدامات که هزینه های هنگفتی را بر دولت ها تحمیل کرد، دیدگاه جدیدی به تدریج کوشید تا توسل به کیفر سالب آزادی را

^۱) United Nations Standard Minimum Rules for Treatment of Prisoner; Resolution 663ci (XXIV))

^۲) United Nations Standard Minimum Rules for Non – Custodial Measures (The Tokyo Rules))



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

به حداقل برساند و جایگزین های مناسبی برای آن جستجو کند و تردید نیست که حامیان این نظریه با عنایتی که به واقعیات دارند، معتقدند که در اوضاع و احوال کنونی، هنوز هم افرادی هستند که باید «آزادی تردد» آنان جلوگیری شود و به عبارتی زندانی شوند، ولی قبول این مطلب نباید به منزله پذیرش تعمیم مجازات زندان تلقی شود. آنگاه که هیچ شیوه و راهکار قابل اعتماد دیگری نباشد، به عنوان واکنش جامعه در مقابل مجرمین به کار گرفته شود.

اگر قرار است مجازات ثمره ای برای جامعه به ارمغان آورد بایستی، ایجاد ترسی که مانع از انجام عمل خطرناک نسبت به جامعه شود، جبران عمل مجرمانه با مجازاتی که هماهنگ با جرم است و عملکرد بازپروری که بتواند جایی برای مجرم در جامعه بیابد را تضمین کند.

برای کاهش شکست های مجازات حبس در رسیدن به اهداف فوق، دست اندرکاران و نظریه پردازان از دو سو به یافتن راه حل پرداخته اند؛ از طرفی انسانی کردن رژیم حاکم بر زندان، و از طرف دیگر ایجاد مجازات های مختلفی که «جایگزین» نام گرفته اند. مشکل ازدحام جمعیت در زندان ها نیز به این امر تحرک بیشتری بخشیده است. البته با نیت اجتماعی - اقتصادی و نه جرم-شناسانه (مخارجی که جامعه باید متحمل شود).

براین اساس حامیان این نظریه به جای زندانی کردن مجرمین، اقدام به ابداع شیوه های جدید مجازات آنان، از قبیل جزای نقدی، خدمات عام المنفعه، حبس در منزل، مجازاتهای سالب و یا محدود کننده حقوق و... نمودند تا حتی الامکان بتوانند، آثار زیانبار زندان بر جامعه، فرد زندانی و خانواده وی را کاهش دهند.

منظور از جایگزین ها؛ اراده قانون گذار و قاضی مبنی بر کنار گذاردن زندان یا تحدید مدت حبس است. از لحاظ تاریخی روش های جایگزین در اروپا از اواخر قرن نوزدهم به وجود آمده است. در فرانسه این امر با تأخیر صورت گرفته است (قوانین ۱۹۷۵ و ۱۹۸۳) جایگزین ها برای مجازات های حبس کوتاه مدتی به کار می روند (از ۱۵ روز تا ۶ ماه) که خود جرم را تشخیص داده شده اند. هدف کلی این مجازات ها کمک به مجرم است و اکثر آن ها در ابتدا تنها نسبت به اطفال اجرا شده است و سپس قلمرو آن به جرائم بزرگسالان گسترش یافته است.

اگرچه با عنایت به واقعیت های موجود؛ به ویژه گسترش تبهکاری، چه به صورت فردی یا سازمان یافته (گروههای تبهکار) نمی-توان از سیاست زندان زدایی به طور کلی دفاع کرد ولی با توسل به تدابیر جایگزین امکان اجرای محدود این سیاست ممکن به نظر می رسد یکی از تدابیر مهم جایگزین در سیاست



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

زندان زدایی وضع ضمانت اجراهای بینابین است. (Coyle, 1994: 205) بعضی از این ضمانت اجراها، که از نظر تاریخی بسیار شدید هستند، به عنوان الگوی اجتماعی اعمال مجازات شناخته شده اند. با توجه به اینکه پدیده های مجرمانه به نوعی حکایت از قصور و عدم سازمان دهی اجتماعی دارد، بنابراین لازم است پاسخ های کیفری در مقابله با پدیده مجرمانه، با حفظ و تضمین روند عادی عملکرد اجتماعی محکوم علیه، وضع و به اجرا در آید. مناسب ترین روش در راستای عملی ساختن اهداف یاد شده به کارگیری ضمانت اجراهای بینابین از طریق ایجاد محدودیت یا سلب برخی از حقوق اجتماعی است بی آنکه محکومان به محیط های بسته زندان سستی اعزام شوند. این روش ها به عنوان مجازات های اجتماعی شناخته شده اند. (Wilkinson, 1998: 106)

به دلیل اینکه مجازات های اجتماعی، خارج از زندان یا در مراکز مشابه اعمال می گردند، به این نام معروف شده اند. در این مجازات از جامعه به عنوان عامل درمانگر استفاده شده است. برخلاف آنچه که سابقاً از جامعه به عنوان عامل جرم زا یاد می شد. (Brownlie, 1998: 56)

توضیح اینکه بزهکار در عین آزادی در جامعه و انجام امور روزمره، فعالیت های شغلی و حرفه ای ایفای وظایف و مسئولیت های خانوادگی و حفظ روابط اجتماعی - عاطفی، مجازات را تحمل و در عین حال نسبت به جبران ضرر و زیان بزه دیده، اعم از فرد یا اجتماع اقدام می کند. این شیوه نسبتاً جدید در اعمال مجازات می تواند جایگزین مناسبی برای کیفر حبس کوتاه مدت باشد تا به این وسیله از تراکم جمعیت کیفری کاسته شود.

تحمل کیفر در جامعه یا مجازات های اجتماعی، در برگیرنده دامنه گسترده ای از ضمانت های اجرایی با قابلیت جایگزینی با مجازات های زندان سستی کوتاه مدت است. این مجازات ها در دو دهه گذشته شدیداً مورد توجه کیفر شناسان قرار گرفته است؛ از جمله مصادیق مجازات مذکور می توان به انجام کارهای عام المنفعه یا خدمات عمومی، ضبط و مصادره اموال منع یا اجبار به اقامت در محلی معین، الزام به درمان، ممنوعیت تصدی به اشتغال خاص به طور دائم یا موقت محرومیت از دریافت خدمات عمومی و حبس در خانه اشاره کرد.

در باب جایگزین های اقدام های سالب آزادی و طرح اولیه آن در دیدگاه شورای اروپا، نشستی از سوی شورای اروپا در سال ۱۹۸۵ برگزار و مسأله جایگزین های حبس در جریان آن برای مدیران سازمان های زندان اروپایی مطرح و تشریح گردید. در این نشست سه برداشت و تعبیر از جایگزین ها مطرح و به



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

تصویب رسید:

جایگزین هایی که غایتشان جرح و تعدیل در نحوه اجرای مجازات حبس است، جایگزین هایی که به عنوان کیفر مستقل در حکم دادگاه قید می شوند و جایگزین هایی که زمینه اجتناب از اجرای مجازات حبس یا اجتناب از صدور محکومیت حبس را فراهم می سازند.

بنابراین در ذیل با توجه به سه نوع جایگزین فوق، ابتدا به بررسی جایگزین های سستی زندان و سپس جانشین های نوین زندان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گفتار اول: جایگزین های سستی

جایگزین های سستی یا در پی شخصی کردن مجازات حبس در بعد اجرایی و کاستن از مضرات آن در مرحله عمل است یا به دنبال اقدام هایی برای اجتناب از اجرای مجازات زندان می باشد یا آنکه به عنوان ضمانت اجرای اصلی مورد حکم قرار می -گیرند.

بند اول: تغییر در شیوه اجرای مجازات حبس

اهم این جایگزین ها که در راستای کاهش مضرات زندان به کار گرفته شده اند عبارتند از: حبس پاره وقت، حبس های پایان هفته و حبس خانگی، که در ذیل به بررسی هر یک از این موارد پرداخته می شود.

الف: حبس پاره وقت

حبس پاره وقت، روش تنبیه ای است که به خودی خود تشکیل دهنده مجازات و تحمیل کننده محدودیت بر آزادی در محل زندگی است. مجازات های جایگزین فراوانی بر حبس وجود دارد که به تشکیلات زندان ها مربوط می شوند همه آن ها هدف مشترکی را دنبال می کنند و آن هم، اجتناب از به خطر انداختن بازگشت دوباره مجرم به جامعه است.

حبس پاره وقت، به محکوم اجازه می دهد که بتواند به کار یا تحصیل و یا معالجه خود ادامه دهد. زمان حبس معمولاً شب ها و یا خارج از زمان اشتغال محکوم به اموری که به دلیل آن به حبس پاره وقت محکوم شده است (کار، تحصیل، معالجه) مقرر می شود.

در کشورهای بلژیک، ایتالیا و پرتغال اجرای این مجازات به این شکل است که، محکوم باید حداقل ۱۰ ساعت در روز را در زندان بگذرانند. علاوه بر آن محدودیت های خاصی چون ممنوعیت نگهداری اسلحه و مواد منفجره، تعلیق پروانه رانندگی، ضبط پاسپورت، اجبار مجرم به معرفی خود به پلیس در صورت صدور حکم توسط قاضی، نیز تعیین می گردد این موازین مجازاتهای تکمیل کننده است برای تضمین امنیت به کار



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

می رود یعنی برای حصول اطمینان از انجام تکلیف توسط مجرم.

همچنین شرط حکم به مجازات زندان پاره وقت، اشتغال محکوم به تحصیل، آموختن حرفه و یا کار، قبل از صدور حکم است. البته تنها مشکلی که وجود دارد حصول اعتماد به مجرم است.

حبس آخر هفته

این روش نیز نوعی حبس پاره وقت است و محکوم تنها در آخر هفته زندانی می شود. این روش در سوئیس، هلند و پرتغال در صورتی مورد حکم قرار می گیرد که دوره حبس از ۳ ماه بیشتر نباشد. در آلمان حبس های آخر هفته معروف به توقیف جوانان است ولی در مجموع نسبت به دو گروه از مجرمین اعمال می گردد؛ جوانان و صغار بین ۱۴ تا ۱۸ ساله که مرتکب جرایم کم اهمیت شده باشند و بزرگسالانی که مجازات جرم آن ها از ۹ ماه زندان کم تر باشد. و شیوه اجرای آن به این شکل است که از ساعت ۳ بعد از ظهر شنبه آغاز و تا ساعت ۷ صبح دوشنبه ادامه می یابد. و چنانچه محکوم علیه در ساعت مقرر خود را جهت اجرای مجازات به سازمان مربوطه معرفی نکند پس از دستگیری روانه زندان می شود.

در بلژیک در سال ۱۹۸۴ از ۵۶۱۱ محکوم به مجازات حبس کمتر از ۶ ماه، تنها بیست مورد به حبس شبانه، حبس در آخر هفته و حبس در تعطیلات محکوم شده اند. کشورهای انگلستان و فرانسه نیز برای گریز از معایب زندان های کوتاه مدت از قبیل تبدیل مجرمان اتفاقی به دائمی و عدم امکان اعمال برنامه های اصلاحی به علت کوتاهی مدت، متوسل به این روش شده اند. و برای مثال مخاطبان این مجازات در انگلستان جوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله ای هستند که تنها در هفته ۱۲ ساعت را در آخر هفته در زندان به سر می برند و به کارهایی از قبیل شکستن هیزم و بافتن سبد مشغول می شوند. (صلاحی، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

درباره فلسفه اتخاذ چنین روش هایی مبدعان و مبتکران امر، تحلیل کرده اند که از یک سو با آزادی محکوم علیه در طول هفته از توقف فعالیت های شغلی و اجتماعی وی جلوگیری نشده و ارتباط مشارالیه با خانواده اش هم چنان پایدار خواهد بود و از دیگر سو در پرتو نگهداری و توقیف آخر هفته اثر تأدیبی و تنبیهی مجازات مزبور بر روح و روان وی هم چنان محفوظ می ماند.

متأسفانه این روش در قوانین جزایی ایران جایگاهی ندارد و حتی در لایحه مجازات های اجتماعی جایگزین زندان نیز به این مکانیسم اشاره نشده است و تنها به جای این مورد به خدمات عمومی در ساعات معینی در طول هفته اشاره شده است که جریات آن در مبحث بعدی مطرح خواهد شد.



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

البته این مجازات تنها در کشورهای محدودی به کار می رود که علت آن را شاید باید در ملاحظات زیر جستجو کرد؛

۱- برای محکوم چنین مجازاتی سنگین تر از مجازات یک ماه حبس به نظر می رسد، زیرا مجازات یک ماه در مدت ۱۵ هفته اجرا می شود و او ناگزیر است مدت ۴ ماه حبس را تحمل کند.

۲- اکثر محکومان بیکار هستند و در نتیجه حائز شرایط حکم به مجازات حبس آخر هفته که به شاغلان اختصاص داده شده است، نیستند.

۳- این مجازات برای سیستم های زندان که با مشکل مزمن ازدیاد جمعیت روبرو هستند، قابل قبول نیست زیرا این امر مستلزم خالی نگهداشتن تعدادی از سلول ها در عرض هفته و برنامه ریزی خاص است و در مقابل باری که بر دوش کارکنان زندان می-گذارد و مشکلاتی که از لحاظ اسکان محکومین بوجود می آورد، بی حاصل به نظر می رسد.

این دو روش با وجود شباهت هایی که با یکدیگر دارند هرکدام ویژگی ها و شرایط اجرایی خاص خود را دارند. با این وجود می توان متذکر شد که شرایط آن دقیق و سخت است. این احکام تنها برای مجازاتهای کوتاه مدت به حبس با وجود شرط شاغل بودن یا اشتغال به تحصیل یا آموختن حرفه و یا انجام معالجات پزشکی مسبوق به صدور حکم قابل ارزش است (این به عهده محکوم است که قبل از صدور حکم در احراز شرایط تلاش کند).

این دو حکم یا به دلایل پزشکی و یا به دلیل تسهیل باز گرداندن مجرم به جامعه توجیه می شوند زیرا مجازات حبس تنها برای حفظ جامعه و تنبیه ساخته نشده است. به این ترتیب نه تنها محکوم همه ارتباطات خود را با دنیای بیرون از دست نمی دهد بلکه خطر تکرار جرم نیز کاهش می یابد.

این مجازات فردی بودن مجازات را به اوج خود می رساند و به قاضی فرصت سنجش و ارزیابی وسیعی می دهد.

حبس در منزل

یکی دیگر از اقداماتی که در راستای به حداقل رساندن استفاده از زندان در سیاست جنایی امروزی مطرح است، حبس مجرم در منزلش است؛ به این صورت که محکوم با این اقدام محکومیتش را در خانه و اقامتگاه خویش سپری می کند. به موجب این تصمیم، دادگاه محکوم را ملزم می کند که از منزل خارج نشود و در مواقع ضروری نیز به شرطی می تواند منزل را ترک کند که پیش از آن، از قاضی ناظر پرونده



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

اجازه گرفته باشد. و فقط در ایام معینی که از قبل به او اعلام گردیده، حق خروج از خانه را دارد. در این مجازات خانه محکوم علیه به منزله زندان بوده و در حکم سلول است.

از مهمترین امتیازات این اقدام، به مواردی مانند جلوگیری از ورود افراد به زندان و تأثیر پذیری از آن، کم هزینه بودن و صرفه-جویی اقتصادی، حفظ انسجام خانوادگی، تأمین منافع جامعه به وسیله دور نگه داشتن فرد از جامعه و... می توان اشاره کرد.

این سیستم اولین بار در اوایل قرن بیستم توسط کشور اسپانیا برای محکومان نوجوان و یا بیمارانی که از لحاظ پزشکی امکان ماندن در زندان برایشان وجود نداشت و به حبس کمتر از ۳۰ روز محکوم می شدند در نظر گرفته شد. در مورد مضمولان این روش، باید خاطر نشان کرد که هرچند در ابتدای امر، از این روش برای اطفال بزهکار استفاده می شد، ولی در حال حاضر، نسبت به سایر مجرمان، همانند زنان مجرم و یا مجرمانی که از سن و سال بالایی برخوردار هستند و یا از لحاظ سلامت جسمانی در وضعیت مطلوبی به سر نمی برند، قابل اعمال است؛ آن گونه که مثلاً در ایالت متحده از این روش نسبت به مجرمان جوان و افرادی که اقدام به رانندگی در حال مستی می کنند، استفاده می شود. (Tonry, 1998: 692) یا در ترکیه، از این مجازات، نسبت به مجرمانی که بیش از ۶۵ سال عمر دارند و یا از لحاظ وضعیت سلامتی در حالی نیستند که در زندان نگهداری شوند، استفاده می شود. (محولاتی، ۱۳۸۲: ۴۵).

در ایالات متحده استفاده از این روش از اواسط دهه ۸۰ شروع شد و روز به روز توسعه یافت تا این که در دهه ۹۰، در مورد مجرمان بسیاری از این روش استفاده می شد؛ به گونه ای که براساس برخی تحقیقات در سال ۱۹۹۳ فقط در ایالت فلوریدا ۱۳ هزار نفر محکوم به حبس در منزل شده بودند. (Tonry, 1998: 692) اما در مورد نحوه نظارت و کنترل بر فرد محکوم به حبس در منزل باید متذکر شد که هرچند پیش از این کنترل به این صورت بود که یکی از اعضای انجمن های خیریه و یا مددکاران اجتماعی بر اعمال و رفتار فرد نظارت می کرد (دانش، ۱۳۷۸: ۱۹۳) ولی چون نظارت به این نحو با اشکال هایی مواجه بود، اخیراً سیستم جدیدی برای این کار پی ریزی شده که نظارت و کنترل، توسط دستگاه الکترونیکی صورت می پذیرد. در حال حاضر قوانین انگلوساکسون به طور خاص این مجازات را به رسمیت شناخته و در سه درجه از شدت اجرا می کنند:

۱- حبس در منزل: محکوم نمی تواند از منزل خارج شود مگر برای انجام معالجات پزشکی و یا شرکت در

مراسم عزاداری



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

۲- ماندن در منزل: محکوم می تواند برای انجام کار یا تحصیل و یا انجام معالجات پزشکی از خانه خارج شود.

۳- منع رفت و آمد: محکوم تنها ساعاتی را باید در منزل بماند. این ساعات معمولاً به شب ها اختصاص پیدا می کند تا از انجام تکرار جرم توسط او جلوگیری شود.

قانون ۱۹۹۱ بریتانیا این مجازات را برای مجرمین بالاتر از ۱۶ سال پیش بینی کرده است. همچنین مدت این حبس به صورت متغیر قابل پیش بینی است البته مدت زمان نباید از ۶ ماه که از روز صدور حکم محاسبه می شود، تجاوز کند. با وجود اینکه ویژگی این مجازات جلوگیری از آسیب رساندن به جامعه توسط مجرم است لیکن اجرای آن برای پرداختن به یک اشتغال و یا انجام خدمات عام المنفعه پیش بینی شده است. به طور خلاصه نباید شخص را در بخش اعظم روز در خانه نگاه داشت.

علاوه بر اهداف کلی مجازاتها در اعمال مجازات حبس در خانه، طرفداران این نظریه به دنبال دو هدف عمده هستند: ۱- انسانی کردن مجازات ها؛ ۲- اقتصادی کردن مجازات زندان سنتی به عبارت دیگر، هدف از اعمال این مجازات جلب منافع مادی و معنوی جامعه است؛ لذا در اجرای این مجازات رویکرد انسانی و اقتصادی جلب توجه می کند.

۱- انسانی کردن مجازات ها

طرد مجازات های خشن و احترام به شخصیت انسان ها، (حتی مجرمان) همواره یکی از آرمان های مصلحان اجتماعی بوده است؛ گرچه این هدف کم و بیش از دیرباز در اندیشه فیلسوفان وجود داشته است، لیکن ظهور آن به شکل قانونی و الزام آور در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون های مختلف سازمان ملل در خصوص ممنوعیت مجازاتهای موهن، رفتارهای خشن غیر انسانی و ناعادلانه تجلی یافته است. (A Basic Document in International Law, 1995: 635)

رویکرد احترام به شخصیت انسانی به تدریج در قوانین اساسی و مقررات عادی ملل جهان رسوخ پیدا کرد و منجر به اصلاح سیستم کیفری آن ها شد.



بحث و نتیجه گیری

گسترده بودن دامنه تحقیق، اقتضای آن را دارد تا نتایج حاصله از تحقیقات میدانی و کتابخانه ای به طور مجزا بیان شوند. بنابراین نتایج هریک از این تحقیقات در مبحث جداگانه ای مطرح خواهد شد.

مبحث اول: نتایج حاصل از تحقیقات میدانی

تحقیقات میدانی در این پژوهش شامل دو مورد است: اول، تأثیر زندان بر حساسیت زندانی نسبت به فعالیت های فرهنگی-اصلاحی و دوم، تأثیر زندان و مجازات های جایگزین در پیشگیری از تکرار جرم. در ذیل آثار هر یک از این تحقیقات میدانی به صورت مجزا بیان می شود.

گفتار اول: تأثیر زندان بر خانواده زندانی و حساسیت وی نسبت به فعالیت های فرهنگی -

اصلاحی

از ویژگی های سیاست جنایی مفید و موثر در مقابله با پدیده بزهکاری، قابلیت انطباق آن با تغییر اوضاع و احوال اجتماعی است؛ به همین دلیل، تصمیم گیرندگان سیاست جنایی همزمان با توسعه فرایندهای اجتماعی به دنبال وضع ضمانت اجراهای مناسب در جهت نیل به اهداف خود هستند. از آنجا که شرایط و مناسبات اجتماعی پیوسته، ولی به نسبت کند به لحاظ تاریخی، در حال تغییر و تحول است، بنابراین سیاست جنایی نیز همانند سایر سیاست های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... نمی تواند از تحول و تکامل تاریخی، به دور باشد. اعمال سیاست جنایی ایستا، نه تنها در مقابله با پدیده بزهکاری کارایی ندارد، بلکه مشکل آفرین و جرم زا نیز خواهد بود. در این خصوص «میشل فوکو» می نویسد: «شاید امروزه از زندانهایمان شرم داشته باشیم؛ لیکن در قرن نوزدهم از اینکه دژهای مستحکمی در اطراف و گاه در مرکز شهر ساخته می شد به خودمان می بالیدیم.»

مطالعات جرم شناسان نشان می دهد با تمام اصلاحاتی که در رژیم زندانها طی دو سده گذشته صورت گرفته و منجر به بهبود نسبی شرایط فیزیکی زندانها شده است، در عمل، نتایج مفید و مؤثری در بازپروری اجتماعی مجرمان و پیشگیری از ارتکاب جرم نداشته است. نتایج به دست آمده ناامید کننده هستند و آموزه بازپروری و اصلاح زندانیان در بسیاری از کشورها از جمله ایالات متحده، کشورهای اروپایی و حتی کشورهای اسکاندیناوی که از دیرباز از آن حمایت می کردند، تقریباً با شکست مواجه بوده است. بنابراین



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

تردید نیست که باید اندیشه مداوا و درمان را که مبتنی بر انجام وظیفه در محیطی رسمی یعنی زندان بسته است، به دست فراموشی سپرد.

از آنجا که برخی از علمای حقوق و قضات همچنان بر پایدار بودن مجازات زندان به دلیل ضمانت اجرای قاطع برای اغلب مجرمین تأکید می کنند (همان گونه که موضع قانون مجازات اسلامی نیز مبین همین دیدگاه است) و تنها بیان می دارند زندان با اصلاحات ماهوی و شکلی می تواند همچنان به عنوان مجازات اصلی جرایم متعدد به کار رود، تحقیقات میدانی در یکی از زندان های موفق کشور در زمینه مدیریت و اجرای برنامه های اصلاحی صورت گرفت تا جامعه آماری مطابق با رعایت نظر حقوقدانان فوق باشد و سپس تمایل ۸۰ نفر از این افراد (که به طور سیستماتیک انتخاب شده بودند) به برنامه های فرهنگی و اصلاحی و همچنین آثار زندان بر خانواده زندانی از طریق پرسشنامه ۲۶ سئوالی، مورد بررسی قرار گرفت که نتایج ذیل به دست آمد.

فرض مبنی بر اینکه «گرایش زندانی به انجام فعالیت های فرهنگی و اصلاحی زندان برای حبس های درازمدت رو به کاستی می رود» با توجه به داده های حاصل از سئوالات مربوط به خوشه فعالیت های زندان تأیید می گردد. به عبارت دقیق تر از آنجا که مقدار P مشاهده از P بحرانی بالاتر بوده است، در سطح $0/05$ فرضیه تأیید شده است. در واقع معلوم شد بعد از گذشت چند سال در حبس امکان بازپروری و تغییر و اصلاح رفتار فرد کاهش می یابد و فرد فاقد انگیزه و شوق کافی برای حضور در فعالیت های فرهنگی منجر به اصلاح رفتار است. این شرایط را می توان نوعی نقض غرض نامید.

فرضیه مربوط به «اختلال در وضعیت معیشتی و درآمد خانوار ناشی از زندانی شدن فرد» با توجه به داده های حاصل از سئوالات مربوط به خوشه وضعیت معیشتی تأیید می گردد. به عبارت دقیق تر از آنجا که مقدار P مشاهده شده از P بحرانی خیلی بیشتر است این فرض در سطح کمتر از $0/05$ تأیید گردید. این یافته بدین معنی است که اکثر قریب به اتفاق آزمودنی ها تأیید کرده اند بر اثر حبس خانواده های آن ها دچار مشکلات مالی شده اند و این امر می تواند کل فرایند بازپروری و بازگرداندن توأم با عزت فرد به جامعه و پذیرش از سوی خانواده و جامعه را مخدوش کند.

فرض مربوط به فقدان حساسیت نسبت به شرایط خانواده و اوضاع و احوال آن به داده های برگرفته از سئوالات مربوط به خوشه حساسیت نسبت به خانواده تأیید نگردید. به عبارت دیگر از آنجا که مقدار P مشاهده شده کمتر از P بحرانی بود، این فرض تأیید نشد. در واقع فرد همچنان نسبت به خانواده و فرزندان



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

احساس مسئولیت نموده و برای آنچه برای آن‌ها پیش می‌آید، حساسیت نشان می‌دهد. خوشه مربوط به حساسیت خانوادگی شامل دو بخش فرعی حساسیت نسبت به تربیت فرزندان و کانون خانواده است. که در هر دو مورد فرض دایر بر عدم حساسیت نسبت به تربیت فرزندان و کانون خانواده رد گردید.

فرض مبنی بر «تأثیرپذیری حالات روانی فرد در نتیجه حبس درازمدت» را با توجه به داده‌ها و تحلیل آماری با قید احتیاط می‌توان تأیید کرد. در واقع حد فاصله P مشاهده شده و بحرانی آنقدر کم است که به زحمت می‌توان فرض را تأیید کرد.

در نتیجه یافته‌های فوق نمایانگر آن است هرچقدر هم در زندان اصلاحات اساسی صورت گیرد، نسبت به معایب فوق که از جمله علل اصلی تکرار جرم است، تغییر چندانی حاصل نخواهد شد.

بنابراین فرضیات شماره ۶ و ۷ تحقیق مبنی بر «حبس طولانی مدت، موجب اخلال در وضعیت و درآمد خانواده زندانی می‌شود» و «هرچه مدت حبس طولانی تر شود، گرایش زندانی به انجام فعالیت‌های فرهنگی و اصلاحی کاهش می‌یابد» مورد تأیید قرار می‌گیرد.

نتیجه تحقیق فوق مطابق با نتایج تحقیقات در عرصه جهانی است. برای مثال در مقاله ای با عنوان «پرسشها و پاسخها در خصوص اصلاح زندان» که در سال ۱۹۷۴ منتشر شده چنین عنوان گردیده که، تدابیر سازگارسازی دوباره اجتماعی، بیش از کیفرهای سنتی اثری نداشته است و بدین سان موضوع صفر برنامه درمان و اصلاح بزهکار، مطرح شد. (گسن، ۱۳۷۴: ۱۳۶). به این معنی که برنامه‌های اصلاح و بازپروری از طریق زندان، نتیجه قابل توجهی در کاهش نرخ تکرار جرم نداشته است. همچنین نتیجه تحقیقاتی که در خصوص اثر بخشی برنامه‌های اصلاحی در سال ۱۹۷۵ منتشر شد، به خوبی روشن ساخت که جز در موارد محدود و استثنایی اقدامات بازپروری، نتیجه چشمگیری در پیشگیری از تکرار جرم به ارمغان نیاورده است. (Adams, 1998: 39).

گفتار دوم: تأثیر زندان و مجازات‌های جایگزین در پیشگیری از تکرار جرم

برای مقایسه بین تأثیر زندان و مجازات‌های جایگزین در پیشگیری از تکرار جرم، جامعه آماری متشکل از محکومین حبس (۹۰ نفر)، محکومین به جزای نقدی (۳۰ نفر)، محکومین به مجازات حبس تعلیقی (۳۰ نفر) و محکومین به جزای نقدی تعلیقی (۳۰ نفر) به صورت سیستماتیک انتخاب شدند.



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

متغیر مستقل این تحقیق، مجازات زندان و مجازات های جایگزین است (نوع مجازات) و متغیر وابسته نیز تعداد دفعات تکرار جرم می باشد. از لحاظ تکرار جرم از یک سو تفاوت معناداری بین مجازات حبس با مجازات های جایگزین وجود دارد و از سوی دیگر تفاوت معناداری بین انواع مجازات های جایگزین حبس وجود دارد. به عبارتی متوسط دفعات تکرار جرم در بین محکومین به حبس تعلیقی ۰/۹۱ می باشد این میزان در جریمه تعلیقی ۱/۸ و در جریمه نقدی ۲/۳ دفعه می باشد، درحالیکه میانگین دفعات تکرار جرم در بین مجرمینی که به حبس محکوم شده اند ۳/۱ می باشد.

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع مجازات	فراوانی	میانگین	مقدار F	درجه معناداری	میزان Eta
نوع مجازات	تعداد دفعات تکرار جرم	حبس	۹۰	۳/۱	۱۳/۰۹۹	۰/۰۰۰	۰/۵۳
		حبس تعلیقی	۳۰	۰/۹۱			
		جریمه تعلیقی	۳۰	۱/۸			
		جزای نقدی	۳۰	۲/۳			

(جدول شماره ۱)

جدول فوق حاکی دو مطلب مهم است؛ اول آنکه بیشترین افرادی که مرتکب جرم شده اند، محکومین به حبس بوده اند، بنابراین مجازات زندان کمترین تأثیر را در پیشگیری از تکرار جرم داشته است زیرا زندان قادر به اصلاح افراد نبوده و میهمانان خود را متجری تر کرده است. و دوم اینکه ضمانت اجرایی همانند جریمه تعلیقی و جزای نقدی نیز به دلیل عدم بازدارندگی کافی مجرم، از ارتکاب جرم مجدد، تأثیر کمتری در پیشگیری از جرم نسبت به حبس تعلیقی دارند.

همچنین نتیجه دیگری که از این تحقیق به دست آمد این بود که، از لحاظ تکرار جرم تفاوت معناداری بین نوع جرم وجود دارد.



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع جرم	فراوانی	میانگین	مقدار F	درجه معناداری	میزان Eta
نوع مجازات	تعداد دفعات تکرار جرم	مصرف مواد مخدر	۵/۳	۱۸	۱۰/۲۷	۰/۰۰۰	۰/۴۸
		سرقت	۳/۳	۱۸			
		صدور چک بلامحل	۲/۸	۱۸			
		توزیع نوارهای غیر مجاز	۲/۵	۱۸			
		نزاع دسته جمعی	۱/۹	۱۸			
		ترک نفقه	۱/۹	۱۸			
		اخلال در نظم	۱/۸	۱۸			
		مزاحمت برای بانوان	۱/۸	۱۸			
		تخریب	۱/۵	۱۸			
		حمل و نگهداری اسلحه	۱/۲	۱۸			

(جدول شماره ۲)

بنابراین باید حتی الامکان برای آن دسته از جرایمی که محکومیت زندان بیشتر منجر به تکرار جرم می شود، جایگزین های زندان اعمال شوند.

با توجه به مجموع مطالب فوق، فرضیه شماره ۸ «جایگزین های زندان در حال حاضر در نظام حقوقی ایران مؤثرتر از مجازات زندان در بازپروری و جلوگیری از تکرار جرم است» قابل تأیید می باشد.

مبحث دوم: نتایج حاصل از تحقیقات کتابخانه ای

در این مبحث ابتدا به بررسی اثبات یا رد فرضیه های مرتبط به جایگزین مجازات زندان پرداخته و سپس تأیید یا عدم تأیید فرضیه های مرتبط با راهکارهای کنترل و بازپروری زندانیان بیان خواهد شد.

گفتار اول: بررسی فرضیه های جایگزین های مجازات زندان

بند اول: بررسی فرضیه شماره یک

«اجرای اغلب جایگزین های زندان در نظام حقوقی ایران مشروع و قابلیت اجرایی دارد»



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

با توجه به معنا و مفهوم تعزیر و با دقت در ادله ای که مبنی بر عمومیت مفهوم تعزیر ارائه شد، معلوم می شود که حاکم جامعه اسلامی برای تنبیه بزهکاران و مجرمان از اختیارات کامل برخوردار است و می تواند از انواع مجازاتها، متناسب با شخصیت مجرمان و جرایم ارتكابی آنها، همانند موعظه، توبیخ، تذکر کتبی یا شفاهی، پرداخت غرامت به مجنی علیه، جریمه مالی، نگهداری در مراکز آموزشی و یا باز پروری، محرومیت از اشتغال به شغلی خاص، تعطیلی محل کار و فعالیت، انجام کارهای عام المنفعه، حبس در منزل، زندان و هر نوع اقدامی را که برای اصلاح فرد (که در بردانده اصلاح جامعه است) متناسب تشخیص دهد، استفاده کند و محدودیتی در این زمینه برای وی وجود ندارد. زیرا مجازات وسیله ای برای اصلاح و تربیت مرتکب جرم و جلوگیری از ارتكاب جرایم مجدد وی و همچنین جلوگیری از انحراف و آلودگی سایر افراد جامعه می باشد، بنابراین مجازاتهایی که در حقوق غرب تحت عنوان «مجازاتهای جایگزین زندان» از آنها یاد می شود، در حقیقت مجازاتهای تعزیری هستند که به استناد ادله ای که ارائه شد، مقام صالح برای تعیین مجازاتهای تعزیری در انتخاب آنها با محدودیتی مواجه نیست؛ البته باید در نظر داشت که تهیه فهرست مناسبی از جرایم و مجازاتهای پیش بینی شده برای آن ها، به منظور عمل به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها و دفع اشکال قبح عقاب بلا بیان ضروری است.

بند دوم: بررسی فرضیه شماره دو و پنج

«در نظام حقوقی ایران از نهادهایی همچون تعلیق و تبدیل مجازات به نحو شایسته استفاده نمی شود.»
 «در حال حاضر و حتی تا زمان تصویب لایحه مجازات های اجتماعی، قوانین نظام حقوقی ایران قابلیت هایی را در رابطه با کاهش مجازات زندان دارا است.»

وجود بیش از چهارصد عنوان جرم دارای مجازات زندان در قانون گذاری ایران و تبعات سوء ناشی از این مسأله، حاکی از آن است که زندان به عنوان یکی از سهل الوصول ترین ابزارها برای مجازات و تنبیه تلقی شده است. بدون آنکه آثار و تبعات منفی آن درحوزه اجتماعی بررسی شده باشد.

و این امر با فلسفه مجازات ها در اسلام سازگاری ندارد، و بسیاری از عناوین مجرمانه که در جامعه وجود دارد، می تواند تحت عنوان مقررات اداری، انتظامی و... مورد بررسی قرار گیرد. برخی از قانون گذاران بر آن هستند که معتاد مجرم است؛ بنابراین باید متناسب با جرم، مجازات شود و سهل ترین راه برای مجازات این



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

دسته از مجرمان زندان است. بعضی دیگر معتقدند که معتاد بیمار است و به جای روانه شدن به زندان باید راهی بیمارستان شود.

عدم استفاده از موادی همچون ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی در رابطه با تبدیل و تعلیق مجازات که حاکم بر تمام مواد این قانون است، (زیرا فلسفه و تاریخچه وضع این ماده، نشأت گرفته از اشکال شورای نگهبان به تحدید حکم قاضی در میزان مجازات های مصرّحه در قانون مجازات اسلامی بود که منتهی به وضع این ماده در قانون مجازات اسلامی شد؛) نیز یکی از دلایل تورم جمعیت کیفری زندان است که با اعمال همین مصادیق حداقل فعلی، نیز می توان تا حدود زیادی، میزان محکومین به حبس را کاهش داد. همچنین در سیاستهای کیفری کشور ایران، اغلب مجازات ها به صورت زندان و جزای نقدی است. کارکرد سیاست تقنینی موجود که بر مبنای قضاگرایی و توسل به کیفر در رسیدگی به جرایم شکل گرفته، موجب شده تا جمعیت کیفری در زندانهای کشور پیوسته افزایش یابد، به گونه ای که آمار ورودی زندانیان هر روز به حدود یک هزار و چهارصد و پنجاه نفر بالغ می شود. این امر سبب شده تا تعداد زندانیان کشور به دویست و بیست هزار نفر برسد.

با توجه به تراکم فوق العاده جمعیت در مراکز نگهداری محکومان به حبس، به نظر می رسد اعمال حبس خانگی نیز بتواند تا حدودی از میزان تراکم زندان ها بکاهد و ضمن بهبود نسبی شرایط زندان ها موجبات کاهش هزینه ها را نیز فراهم آورد. در این مورد به نظر می رسد زمینه های اجرایی این نهاد در حقوق ایران به رغم موانع وجود دارد.

برای مثال با توسل به این سیستم نوین جوانان و نوجوانان بزهکار ملزم می شوند تا اوقات تعطیل خود را در منزل بگذارند و از آثار منفی مراکز نگهداری سنتی در امان بمانند. در این صورت ضمن آنکه تحت نظارت و مراقبت هستند، فعالیتهای قانونی و مفید خود را ادامه می دهند و از متن جامعه و خانواده نیز دور نگاه داشته نمی شوند. گرایش برخی از دادرسان به این موضوع جلب شده است. از جمله برخی از شعبات دادگاه اطفال اقدام به صدور آرای در زمینه اعمال کیفر حبس در خانه نموده اند. شعبه ۲۱۰۲ دادگاه عمومی تهران که رسیدگی به پرونده های اطفال و نوجوانان را عهده دار است در مواردی همچون دادنامه شماره ۱۷۵ در سال ۱۳۷۹ به مجازات حبس در خانه رأی داده است هرچند در آرای صادره روند مشخصی برای اجرای آن پیش بینی نشده است، ولی به هر حال این ابتکارات خردمندانه بسیار امیدوار کننده است.



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

از طرف دیگر به دلیل فقدان نص صریح قانونی در اعمال این مجازات به عنوان مجازات اصلی، احتمال آن می رود که رویه قابل تحسین دادرسی شعبه مذکور با استقبال عمومی در سیستم قضایی مواجه نگردد. بنابراین ضرورت دارد مقررات صریحی در این زمینه وضع گردد.

علاوه بر این در حال حاضر زندانیان که نیمی از مجازات خود را گذرانده باشند با جمع شرایط مندرج در ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی می توانند از امتیاز آزادی مشروط برخوردار شوند همچنین با احراز شرایط دادگاه مجاز به تعلیق اجرای مجازات و الزام محکوم علیه به انجام دستورات خاصی است. عموماً افراد آزاد شده به دلیل فقدان سیستم نظارتی مؤثر و کارآمد، زمینه اجرای دستورات دادگاه به حال خود را می شوند و عدم استفاده از این چنین نهادهایی توسط قضات به دلیل عدم کافی بودن اینگونه ضمانت اجراها در عمل می باشد، بنابراین پیشنهاد می شود، با استفاده از نظام حبس در خانه و استفاده از مأموران مراقبت و نظارت، اجرای دستورات دادگاه محقق شود.

بند سوم: بررسی فرضیه شماره سه

«با توجه به عدم پیش بینی حبس برای محکومین مالی در نظام حقوقی اسلام، حبس این افراد فاقد مشروعیت است.»

نظام حقوقی اسلام در رابطه با مواردی همچون پرداخت دیون، کفالت و یا بازداشت متهم به قتل، استفاده از زندان را نه به عنوان مجازات بلکه به عنوان وسیله احتیاطی یا اکتشافی مورد استفاده قرار می دهد، این مطلب از دو جهت قابل تأمل است؛ اول اینکه نگاه شرع مقدس به بدهکار معسر با نگاه قوانین ایران، در برخی مواضع متغیر است و این امر ضرورت بازنگری در قوانین مربوط و لزوم تقنین قوانین مطابق با شریعت را ایجاب می کند. فقها بر مبنای روایاتی که از حضرت علی (ع) وارد شده است، به زندانی کردن بدهکار مدعی اعسار، در صورت درخواست صاحب حق از حاکم، فتوا داده اند که اگر فقر او معلوم شود، او را رها می کنند لیکن قوانین موجود در این زمینه ناظر بر روایت فوق نیست و از خاستگاه متقن فقهی برخوردار نمی باشد (همانند آنکه در حال حاضر رویه قضایی ایران به این شکل است که، دعوای اعسار پس از زندانی شدن شخص پذیرفته می شود). و دوم آنکه لزوم قوانین داخلی هر کشور با تعهدات بین المللی آن، اصلی اساسی است که از ذات نظام حقوق بین الملل منبث می شود. جمهوری اسلامی ایران به لحاظ عضویت در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) از جمله به این قاعده ملتزم شده است



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

که هیچ کس را نمی توان به علت ناتوانی در ایفای تعهدات قراردادی خود زندانی نمود. این قاعده اساسی که در ماده ۱۱ میثاق درج شده است حقی مطلق و غیر قابل تخطی قلمداد می شود، با این حال قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷/۰۸/۱۰ و آئین نامه اجرایی آن با ماده ۱۱ میثاق در تعارض آشکار می باشد. بنابراین دولت ایران به لحاظ بین المللی متعهد است که در اسرع وقت به اصلاح قوانین داخلی خود در این زمینه مبادرت ورزد.

همین مطلب درباره قانون چک نیز صادق است، و در قانون گذاری منشأ تصویب قوانین و مقررات متفاوت و حتی متغییری شده است که چه بسا در شریعت نیز جایگاهی ندارد. قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، پیش بینی نموده است که بدهکاران در صورت عدم پرداخت دین و عدم احراز از اعسار زندانی خواهند شد. به لحاظ اینکه تعداد زندانیان بدهکار با اجرای این قانون از دی ماه ۱۳۷۷ رو به افزایش نهاده و با توجه به سیاست فعلی که نوعی افراط در زندانی کردن و تفریط در آزاد کردن در آن به چشم می خورد، برای مثال می توان با توسل به حبس خانگی، هم از افراط و هم از تفریط جلوگیری کرد. همچنین بدهکاری که آزادی وی با شکل حبس خانگی محدود شده است، فرصت دارد تا با اشتغال و کسب در آمد دیون خود را بپردازد و ایجاد محدودیت در آزادی وی تا اندازه ای می تواند وی را به انجام کارهای مفید اقتصادی برای پرداخت مطالبات قربانیان ملزم نماید.

همچنین ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ تبدیل اجباری و اختیاری زندان به جزای نقدی را پیش بینی کرده است. ولی با توجه به ضمانت اجرای مندرج در ماده قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷ عدم پرداخت جزای نقدی منتهی به بازداشت محکوم علیه خواهد شد. در این موارد نیز چنانچه وی استحقاق داشته باشد می تواند به تحمل حبس در خانه محکوم شود.

بند چهارم: بررسی فرضیه شماره چهار

«مجازات حبس در رابطه با برخی از مجرمین و متهمین ضمانت اجرای مناسبی نمی باشد»
به نص صریح روایات و فتاوی فقها، در اتهام قتل عمد، متهم به قتل عمد بیش از شش روز بازداشت نمی شود و در صورتی که مدعی، بینه نیاورد، آزاد می شود حتی عده ای حبس متهم به قتل به مدت شش روز را نیز از جهت اینکه مستلزم شتاب در مجازاتی است که سبب آن ثابت نشده است، جایز نمی دانند بر این



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

اساس بازنگری چه در اسلوب قوانین و آیین نامه ها، چه در شیوه بررسی جرایم در شرایطی فعلی ضروری می نماید.

در نظام حقوقی فعلی، افراد سال ها به عنوان متهم در زندان به سر می برند، به دلیل عدم مشروعیت بازداشت بیش از ۶ روز باید نسبت به مابقی ایام تا اثبات اتهام از جایگزین هایی همانند مراقبت الکترونیکی یا حبس خانگی استفاده شود.

همچنین حبس کردن محکوم به قصاص تا زمان اجرای حکم و یا در مواردی که اولیاء دم غایب هستند و یا صغیر می باشند و یا حتی در مواردی که اجرای قصاص نیازمند پرداخت تفاضل دیه است شرعی نمی باشد. و تنها شاید بتوان از جنبه احتیاطی و آن هم به عنوان باقی ماندن محل قصاص آنان را زندانی نمود که البته این هدف با مجازات های بینابین دیگری نیز قابل تحقق است و توجیه شرعی بر تحمل دو مجازات (زندان و قصاص) وجود ندارد.

از طرف دیگر مجازات زندان در مقابل برخی از جرایم، ضمانت اجرای مناسبی محسوب نمی شود (همانند جرایم راهنمایی و رانندگی) زیرا یکی از اهداف مجازات ها تنبه و اصلاح شخص است که با زندانی کردن شخص در این موارد، این هدف حاصل نمی شود زیرا عنصر معنوی اشخاص در این موارد تقصیر بوده است نه عمد.

در آلمان، برای جرایم راهنمایی و رانندگی مجازات زندان پیش بینی نشده است بلکه از جزای نقدی استفاده شده است و در مورد استفاده از مجازات های سالب آزادی کم تر از شش ماه، محدودیت های قانونی وجود دارد؛ به گونه ای که حقوقدانان با تردید جمع این الگوها را در نظر می گیرند. اما در فرانسه بر اساس سجل کیفری، رانندگی در حالت مستی منجر به محکومیت بیش از هزار زندان بسته شده است. آمار اداره زندان نیز به نوبه خود بیش از ۴۰۰۰ مورد را در سال ۱۹۹۳ برای جرم رانندگی در حالت مستی ثبت کرده است. لیکن این کشور سعی نموده است تا با ضمانت اجراهایی همانند مراقبت الکترونیکی از میزان این دسته از زندانیان بکاهد. در نظام حقوقی ایران علاوه بر ممنوعیت از رانندگی، حکم به خدمات عام المنفعه، معقول ترین پاسخ در برابر این دسته از مجرمین به نظر می رسد.



بررسی فرضیه های کنترل و بازپروری زندانیان

بند اول: بررسی فرضیه شماره نه

«مجرمین را باید بر اساس دو معیار سابقه و نوع محکومیت در زندان طبق بندی نمود»

سیستم رایج در اداره زندان های ایران، نظامی است متفاوت از سیستم های مذکور، هر چند شباهت هایی میان آن و سیستم عمومی یا رژیم دسته جمعی مشاهده می شود. البته در رژیم دسته جمعی افراد روزها را به طور دسته جمعی کار می کنند، در حالیکه در سیستم رایج در زندان های ایران، زندانیان تمامی اوقات شبانه روزی شان را با یکدیگر و بدون اشتغال به کار یا پیشه ای خاص سپری می نمایند، و به جز خوابیدن یا گفتگو با هم کار مهم دیگری در زندان انجام نمی دهند. (با وجود اینکه اشتغال در آئین نامه ۱۳۸۴ نوعی تکلیف محسوب می شود) همچنین حداکثر تفکیکی که در زندان های کشور در حال حاضر وجود دارد، تفکیک از جهت سن و نوع جرم ارتكابی زندانیان است که البته به دلیل تورم جمعیت کیفری، در اغلب زندان ها معیار سن نیز از دستور کار خارج شده است.

در زندان های مدرن اکثر کشورهای مرقی، روش اجرای مجازات، انطباق آن با شخصیت محکوم است به این صورت که در این روش از روز شروع مجازات، محکوم علیه ممکن است با توجه به شخصیتش در مؤسسات باز نگاهداری شده یا مشمول رژیم نیمه آزادی گردد. هدف اصلی در این روش، عادت دادن زندانی به زندگی اجتماعی است.

ماده ۶۳ آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۸۴ کشور مقرر داشته است:

«در هر مرکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندان قسمتی به نام تشخیص به منظور شناخت شخصیت محکومان و متهمان و طبقه بندی آنان با استفاده از خدمات کارشناسان متخصص تشکیل می گردد.»

بنابراین کارشناسان امر به جای تعیین معیار های خاصی برای طبقه بندی، همانند نوع جرم و سن مجرم باید به مسائل متعدد دیگری از قبیل تعداد سابقه محکومیت افراد، مدت حبس و همچنین (با استفاده از آزمون های روانشناسی) میزان خطرناکی افراد نیز توجه نمایند.

بند دوم: بررسی فرضیه شماره ده

«به نظر می رسد با استفاده از تکنولوژی های روز دنیا می توان مصرف و توزیع مواد مخدر را کاهش داد.»



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

تلویزیون مدار بسته فناوری بسیار خوبی است که به کارکنان در کنترل و نظارت محیط زندان ها یاری رسانده است اکثر زندان ها برای کنترل اتاق های ملاقات زندانیان و محیط زندان و همچنین جلوگیری از ورود مواد مخدر و دیگر ارقام غیر مجاز و ممنوعه به زندان های با درجه امنیتی بالا، دریافته اند که وجود دوربین ها در داخل سلول ها، سالن غذا خوری، مناطق تفریحی و مناطق تولید کالا، به طور چشمگیری باعث کاهش ورود مصرف مواد مخدر شده است. فیلم برداری نیز در پیگرد های قانونی بعدی زندانیانی که به توزیع و مصرف مواد پرداخته اند، بسیار مؤثر بوده است. همچنین فناوری های جدید بر نقاط محوطه های ورودی و خروجی تأکید دارند، این فناوری ها شامل موارد زیر هستند:

کارت های شناسایی همراه با بار کدهای مغناطیسی، دستگاه های خواننده حروف کتابی (اظهارات) و هندسه دست، تشخیص زیست سنجی (که ویژگی های فیزیکی مانند شبکیه، عنبیه، اثر انگشت، صدا یا چهره را اندازه گیری کرده و با بانک اطلاعات شناسایی، مطابقت می کند)، نشانگر ضربان قلب در قسمت ورودی وسایل نقلیه (که ضربان قلب فرد خلاف کار را که ممکن است در وسیله نقلیه پنهان شده باشد، نشان می دهد)، نشان دادن با اشعه X (که ارقام ممنوعه را نشان می دهد)، اسکنرهای امنیتی سوراخ بدن (که اشیاء فلزی پنهان شده را نشان می دهد) و سیستم نشانگر مواد مخدر (که بو و نوع ۳۰ گونه ماده مخدر را نشان می دهد).

بند سوم: بررسی فرضیه شماره یازده

«با افزایش فعالیت های مذهبی و فرهنگی در زندان می توان به بازپروری هرچه بهتر فرد کمک کرد.» هدف شریعت از نظام کیفری به طور مسلم باز دارندگی از وقوع جرم، حمایت از مصالح و منافع عمومی، اصلاح و بازپروری و در یک کلام تحقق عدالت و امنیت فردی و اجتماعی است. قانون الهی بیانگر رحمت و لطف خداوند منان نسبت به انسان و جامعه انسانی است. با تکیه بر مطالبی که درباره رفتار امام علی (ع) با زندانیان در تاریخ به صراحت بیان شده است و براساس اطلاعات موجود در منابع، اجرای عبادت های شرعی، تنظیم برنامه های تهذیبی، آموزش قرآن، فراگیری سواد و... در دو زندان نافع و مخیس رعایت می شده و یکی از برنامه های اجباری بوده است.

ضرورت شناسایی زندانیان بزهکار به روش علمی برای حرفه آموزی و اشتغال به کار آنان به منظور اصلاح و بازپروری زندانیان در عصر حاضر امری اجتناب ناپذیر است زیرا به تجربه ثابت شده است که کار در زندان عامل مناسبی است که می تواند محکومین را برای ابراز ندامت و پشیمانی از اعمال مجرمانه ای که در



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

گذشته انجام داده اند متقاعد ساخته و آنها را برای عادت دادن به زندگی اجتماعی آماده می سازد. از طرف دیگر کار زندانیان نه تنها باعث سهولت برقراری نظم و امنیت در زندان خواهد شد بلکه متضمن فایده اقتصادی برای زندانیان و خانواده آنها و همچنین زمینه سهولت تأمین هزینه های سنگین سازمان زندان را نیز فراهم می نماید.

توجه به این اهداف، شناسایی شخصیت زندانیان و آموزش حرفه ای به آنها به عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه و سازمان اداره زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی است. همچنین به وسیله آموزش مهارت های مدیریت خشم که یکی از رویکردهای شناختی رفتاری است، می توان، از رفتارهای خشونت آمیز زندانیان گامی به جلو برداشت. از ویژگی های مدیریت خشم افزایش آگاهی نسبت به علائم برانگیختگی اولیه خصمانه و آموزش فنون کنترل به فرد جهت کاهش احتمال رفتارهای پرخاشگرانه می باشد. خوشبختانه در سال های اخیر مقدمات اجرای این امر خطیر با تصویب و اجرای مقررات آیین نامه زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تاحدی فراهم شده و این فعالیت ها در برخی از زندان ها که به روش علمی ساخته شده اند در شرف انجام است.

منابع

- آنسل، مارک (۱۳۵۶)، مجازات اعدام، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران: آگاه.
- آنسل، مارک (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، م. محمد آشوری؛ علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۳)، دایره المعارف علوم قضایی، تهران: انتشارات گنج دانش.
- دانش، تاج زمان (۱۳۷۸)، دادرسی اطفال در در حقوق تطبیقی، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، چاپ دوم، قم: نشر دانش.
- صلاحی، جاوید (۱۳۸۲)، کیفرشناسی، چاپ سوم، انتشارات سحوری.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۶۵)، فلسفه حقوق، چاپ دوم، تهران: انتشارات نشر.
- گسن، ریموند (۱۳۷۴)، جرم شناسی نظری، م. مهدی کی نیا، چاپ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجلد.
- محولاتی، علیرضا (۱۳۸۲)، جایگزین های مجازات زندان و نهاد تعزیر، مجله نامه مفید، شماره ۳۷.
- آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۰.



راهکارهایی برای کاهش، کنترل و بازپروری زندانیان

- آئین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۷۲/۰۱/۱۵.
- آئین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۱/۰۶.
- آئین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰/۰۴/۲۶.
- قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸/۰۶/۲۸.
- قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۰۹/۲۴.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۰۵/۰۸.
- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲/۰۳/۰۷.
- A Basic Document in International Law (1995), 4th, ed., New York, Oxford University Press.
- Brownlie, Ian (1998), Community Punishment, 1st ed., London, Longman Publication.
- Coyle, Andrew (1994), Are our Prisons Value for Money? Consumer Policy Review, vol.4.
- Wilkinson, Reginald A. & James A. Gondles (1998), Criminal Justice Terms, U.S.A Upper Marlboro.
- Tonry, Michael and Hatlestad, Kathleen (1997), Sentencing Reform in Overcrowded Times. A Comparative Perspective, Oxford University Press.